

اگزستانسیالیسم و عشق رمانتیک

اسکای کلیوی

ترجمہ محمدہ احمدی



نشر سنگ

www.yotab.ir

www.ketab.ir



نشان استاندارد بین‌المللی محیط زیست کاغذ بالک FSC

برای تولید این کاغذ، فرایند شیمیایی انجام نمی‌گیرد، دوباره به چرخه‌ی طبیعت بازمی‌گردد و محیط زیست را آلوده نمی‌کند.

سرشناسه: کلیری، اسکای، ۱۹۷۵-م. ۱۹۷۵، 1975، Cleary, Skye-

عنوان و نام پدیدآور: اگزیستانسیالیسم و عشق رمانتیک / اسکای کلیری؛ ترجمه‌ی محدثه احمدی. مشخصات نشر: تهران: نشر سنگ، ۱۴۰۲. / مشخصات ظاهری: ۲۴۰ ص. / فروست: فلسفه برای زندگی امروز؛ ۱۵.

شابک: 1-33-3383-622-978 / یادداشت: عنوان اصلی: Existentialism and romantic love.

شناسه افزوده: احمدی، محدثه، ۱۳۷۳- مترجم / موضوع: عشق Love اگزیستانسیالیسم Existentialism

رده بندی کنگره: BD۴۴۶ / رده بندی دیویی: ۱۲۸/۴۶ شماره کتابشناسی ملی: ۹۳۰۰۴۹۰



سایت نشر سنگ:

www.sangpublication.ir

نشر سنگ در فضای مجازی:

@sangpublication

پست الکترونیک نشر سنگ:

sangpublication@gmail.com

شماره‌ی تماس و فضای مجازی: ۰۹۳۸ ۱۹۴ ۲۸۷۰

اگزستانسیالیسم و عشق رمانتیک

فلسفه برای زندگی امروز - ۱۵

نویسنده: اسکای کلیری

مترجم: محدثه احمدی

ویرایش محتوایی، مقابله و پانویس‌ها: کامران محمدی

ویراستار: نرگس نظیف

طراح جلد: واحد فنی نشر سنگ

ناشر: سنگ

چاپ اول: زمستان ۱۴۰۲

شمارگان: ۵۰۰ نسخه

چاپ و صحافی: پردیس دانش

شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۷۳۸۳-۳۳-۱

حق چاپ و انتشار محفوظ و مخصوص نشر سنگ است.

فهرست

۷.....	مقدمه
۳۱.....	ماکس اشتیرنر و عشق معطوف به خود
۶۵.....	سورن کی یرکگور و عشق زیبایی شناسانه
۱۰۱.....	فردریش نیچه و عشق قدرتمند
۱۳۷.....	ژان پل سارتر و عشق سادومازوخیستی
۱۷۳.....	سیمون دوبوووار و عشق اصیل
۲۱۹.....	نتیجه گیری

مقدمه

درک عشق رمانتیک به تجارت بزرگی تبدیل شده است. محبوبیت صنعت همسریابی، دوست‌یابی اینترنتی، رمان‌های عاشقانه، کتاب‌های خودیاری و مشاوران افراد معروف تنها نمونه‌هایی از توجه مردم به پویایی روابط عاشقانه هستند. انتظارات زیادی از عشق رمانتیک می‌رود، اما ظاهراً درک ما از آن چندان درست نیست، چون معمولاً واقعیت فاصله‌ی زیادی با آرمان‌های مان دارد. عشق رمانتیک با خوشبختی بی‌پایان، هماهنگی، درک و صمیمیت همراه شده و همه گمان می‌کنند عشاق برای یکدیگر ساخته شده‌اند. این تصویر آرمانی، فریبنده اما معیوب است، چون عشق رمانتیک اغلب با درگیری و ناامیدی همراه می‌شود.

در این کتاب به بررسی اگزیستانسیالیستی عشق رمانتیک می‌پردازیم. بر اساس فلسفه‌ی اگزیستانسیالیسم، عاشقان باید خود را از آرمان‌های رفتاری پیش‌فرض رها کنند و بنده‌ی هیجانات^۱ نباشند تا به روابطی برسند که تلاش‌های شخصی و حقیقی آن‌ها را تکمیل می‌کنند و افزایش می‌دهند. عشق احساسی است که باید آن را برگزید و بر آن مسلط شد. بنابراین نباید قربانی‌اش شویم.

۱. passion این واژه از جمله کلمات کلیدی بسیار پرتکرار در این کتاب است. به لحاظ لغوی، هیجانات و احساسات تند و شدید، شور، شوق و اشتیاق، هوای نفس، عطش و امثال این‌ها معنا می‌دهد و مراد از آن در این متن، کشش احساسی عاشقان به یکدیگر است که گاهی بیش‌تر ماهیت جنسی دارد، گاهی به هیجانات زودگذر و شدید اشاره دارد و برخی مواقع نیز صرفاً به معنای تمایل عاطفی است.

عده‌ای می‌گویند بعضی آزادی‌ها در عشق رمانتیک از دست می‌روند، اما دوست داشتن جبران‌شان می‌کند. به نظر من یکی از مهم‌ترین تأثیرات رویکرد اگزیستانسیال بر عشق رمانتیک، نقد چنین فرضی است. چون به هیچ وجه ثابت نشده فواید عشق رمانتیک الزاماً بر مضرات آن می‌چربند. فلسفه‌ی اگزیستانسیالیسم چارچوبی با معنا در اختیار ما می‌گذارد تا نگاهی نقادانه به ایده‌های غالب در حوزه‌ی عشق رمانتیک بیندازیم. اگزیستانسیالیسم فاصله‌ی میان آرمان‌ها و سازش‌هایی را بررسی می‌کند که عاشقان برای رسیدن به همان آرمان‌ها، سختی‌هایش را به جان می‌خرند. من پنج فیلسوف اگزیستانسیالیست را انتخاب کرده‌ام تا با روایت‌های‌شان، ریشه‌های نارضایتی و ناامیدی از عشق رمانتیک را بسنجیم.

هر فیلسوف اگزیستانسیالیست برداشتی متفاوت از بودن در جهان دارد، ولی همگی بر تجربه‌ی شخصی ملموس، آزادی، اصالت، مسئولیت‌پذیری، فردیت، آگاهی از مرگ و تعیین ارزش‌ها تأکید دارند. بنابراین تعجبی ندارد که به مسئله‌ی عشق رمانتیک اندیشیده‌اند. ما سراغ ماکس اشتنبر، سورن کی‌یرکگور، فردریش نیچه، ژان پل سارتر و سیمون دوبووار خواهیم رفت که خدمات شایانی به حوزه‌ی عشق رمانتیک کرده‌اند. این پنج فیلسوف اگزیستانسیالیست راه‌حل مشخصی ارائه نمی‌کنند، بلکه نشان می‌دهند گاهی عشق رمانتیک به سمت وسوی غلط می‌رود و گاهی قابل اصلاح است. با تحلیل مفاهیمی چون آزادی، قدرت، انتخاب، اصالت و اضطراب، برداشت ما از ذات و معنای عشق رمانتیک به چالش کشیده می‌شود.

چشم‌انداز اگزیستانسیالیسم به‌خوبی تحلیل را ممکن می‌کند، چرا که ارتباطات بخش مهمی از گفتمان وجودی‌اند. فیلسوفان اگزیستانسیالیست معتقدند ما در میان شبکه‌ای از روابط متولد می‌شویم. پس می‌پرسند ارتباط با دیگران چگونه به جهان ما معنا می‌بخشد و امکانات را اصلاح می‌کند. تفکر اگزیستانسیال پیچیدگی‌ها، دانش و تجلی عشق رمانتیک را هویدا می‌کند، چون زیبایی برای درک و بررسی وجود ما در

جهان و همراهی با دیگران به دست می‌دهد. همچنین آگاهی ما را نسبت به امکانات و پویایی‌های روابط زیاد می‌کند. فلسفه‌ی اگزیستانسیالیسم همچنان کاربردی است، چرا که به مشکلات روزانه‌ی بشر می‌پردازد.

عشق رمانتیک چیست؟

در ۱۳۰۰ پیش از میلاد، مصریان باستان اشعاری عاشقانه سرودند. حدود ۳۵۰ پیش از میلاد، افلاطون شکل‌های مختلفی برای عشق تعیین کرد. شاعر رومی، «اووید»، در ۱۹ پیش از میلاد شعرهای اروتیک سرود. در قرن دوازدهم، «هلویز و آبلار» برای هم نامه‌های عاشقانه نوشتند. اواخر قرن پانزدهم شکسپیر سراغ نمایش‌نامه‌های عاشقانه رفت. پیشینه‌ی ادبیات عاشقانه به مصر باستان برمی‌گردد، اما برچسب «رمانتیک» قدمت کم‌تری دارد و کم‌کم به‌ویژه در غرب به پدیده‌ای آشنا تبدیل شد. در این قسمت به پیشرفت‌های تاریخی‌ای می‌پردازیم که روی درک ما از عشق رمانتیک در جهان غرب و قرن بیست و یک تأثیر گذاشتند. سراغ برخی تعریف‌های غالب از آن نیز خواهیم رفت.

از نظر تاریخی، پیوند میان زنان و مردان با ازدواج‌هایی رخ می‌داد که بر پایه‌ی منافع اقتصادی بودند و هدف‌شان حفظ قدرت و ثروت یا افزایش نیروی کار برای تولید داخلی بود. ازدواج مسئله‌ای اقتصادی بود. پس عشق شورانگیز معمولاً خارج از آن رخ می‌داد و بر اساس نیازهای طبیعی چون رابطه‌ی جنسی و شهوت بود. داستان‌های عاشقانه معمولاً با رابطه‌ی جنسی به پایان می‌رسیدند، تا این که پدیده‌ی عشق درباری در قرون وسطی ظهور کرد.

در عشق درباری، شوالیه‌ای مخفیانه زنی را تحسین می‌کرد که جایگاه اجتماعی بالاتری داشت و دست نیافتنی بود. از آن‌جا که این گونه روابط فرجامی نداشتند، عشق آرمانی شد. از این رو در داستان‌های عاشقانه‌ی معروف، عشاق پس از مرگ

به هم می‌رسند. این همان لیستوت^۱ (نوعی شعف استعاری) است. رومنو و ژولیت ویلیام شکسپیر و «تریستان و ایزولد» ریچارد واگنر از این دست هستند. «رابرت سولومون» و «کاتلین هیگینز» می‌گویند عشق درباری اغلب در طبقات بالاتر جامعه رخ می‌داد، اما کند بود و تمرکز افراد بر ابراز علاقه و دلبری بود، زیرا به جای مسائل اقتصادی، بر ارزش، دلربایی، هوس‌ها و امیال عشاق استوار بود.

در قرون وسطی همه چیز به امپراتور روم تشبیه می‌شد. بنابراین اصطلاح «رمانتیک» گسترش یافت و با عظمت، حماسه، ماجراجویی و شور و هیجان همراه شد. در اواخر قرن هجدهم هنر، موسیقی، ادبیات و فلسفه‌ای که بر هیجانات، تخیل، خلاقیت، طبیعت، آزادی، فردیت، منطق، خرد و آرای عینی در مقابل انتزاعی تأکید داشت، عنوان «رمانتیک» گرفتند.

روایت عشق رمانتیک در قرن نوزدهم شکوفا شد. همزمان ادبیات عاشقانه رواج یافت و با دلبری معادل شد. با رشد سرمایه‌داری و صنعتی‌سازی، نیاز به وصلت‌های اقتصادمحور از میان رفت. چون تولید داخلی کاهش یافت و به جای خانواده‌ها، شرکت‌ها کنترل ثروت را به دست گرفتند. سرمایه‌داری و رشد آزادی فردی در جوامع غربی به این معنا بود که دلبری و هم‌ریایی موضوعی شخصی شد، نه توافقی میان والدین. از این رو خانواده‌ی مرکزی و سنتی در جهان غرب شکسته شد و افراد بیش‌تری تنها زندگی می‌کنند.

«رابرت سولومون» معتقد است با تضعیف پیوندهای خانوادگی و جمعی، عشق رمانتیک اهمیت بیش‌تری پیدا کرده است، چرا که موقتاً به فرد حس تعلق می‌دهد. به علاوه زنان توانستند خودشان شریک زندگی‌شان را انتخاب کنند و به جای دارایی، نقش معشوقه را داشته باشند.

۱. Liebestod. واژه‌ای آلمانی است به معنای مرگ عاشقانه. درواقع توصیف عاشقانی است که فرجام عشق را در مرگ می‌جویند.